

رفتارهای سه گانه بخل، میانه روی و اسراف از دیدگاه سیستمی

منصور صادقی مال امیری *

دریافت مقاله: ۹۳/۴/۱۷

پذیرش نهایی: ۹۳/۵/۲۱

چکیده

این پژوهش با الهام از دیدگاه سیستمی، رابطه رفتارهای سه گانه بخل، میانه روی و اسراف را با محیط مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. بر اساس منابع، نتایج تحقیق بیانگر این است که از نظر رابطه با محیط بر بخل و بخیل منطق سیستم بسته بر میانه روی و میانه روی منطق سیستم باز حلقه بسته منفی و بر اسراف و مسرف منطق سیستم باز حلقه باز حاکم است به این صورت که ساختار بخل و رفتار بخیلانه به گونه ای عمل می کند که سیستم باز انسانی را از طریق نابودی تعاملات با سایر عناصر محیطی به سمت و سوی هر چه بسته تر شدن سوق می دهد. با توجه به اینکه اصل بقای آنتروپی مثبت بر آن صادق است به سوی بی نظمی و اضمحلال پیش می رود. میانه روی در زندگی فردی و اجتماعی نه تنها موجب شکل گیری و توسعه سیستمی باز می شود، بلکه از طریق تمرکز بر معیارها، این سیستم باز را به سیستم باز حلقه بسته منفی تبدیل می کند. در نتیجه با توجه به اینکه رفتارهای سه گانه در زمره عوامل سیستمی (ضعف - قوت) قرار دارد، می توان از طریق افزودن حلقه بسته منفی به سیستم باز حلقه باز، اسراف (ضعف) را به سمت میانه روی (قوت) تعدیل کرد و از سوی دیگر از طریق باز نمودن سیستم بسته به روی محیط و افزودن حلقه باز خوران منفی به آن، بخل (ضعف) را به سمت میانه روی ارتقا داد.

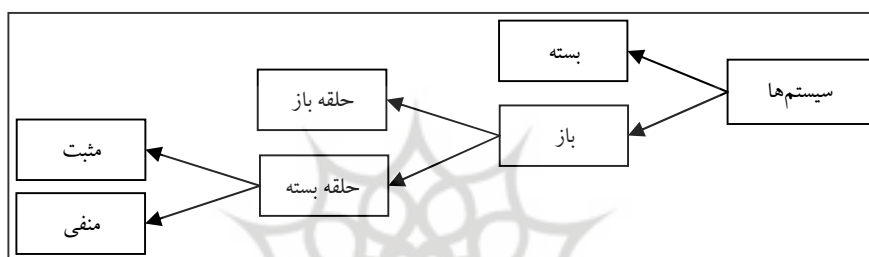
کلید واژه ها: سیستم بسته، سیستم باز حلقه باز، سیستم باز حلقه بسته منفی، سیستم باز حلقه بسته مثبت، بخل، اسراف، میانه روی.

۱ - مقدمه

از دیدگاه سیستمی^۱، سیستم‌ها از جنبه‌ها و ابعاد مختلف (بولدینگ^۲، ۱۹۵۶؛ برنز و استاکر^۳، ۱۹۶۲؛ بیر^۴، ۱۹۶۴؛ میلر^۵، ۱۹۷۸؛ اسکات^۶، ۱۹۹۲؛ نیکولاس^۷، ۱۹۹۲) نظیر رابطه با محیط^۸، مورد دسته‌بندی و تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس رابطه با محیط، سیستم‌ها به دو دسته بسته^۹ و باز^{۱۰} تقسیم می‌شود (تامپسون^{۱۱}، ۱۹۶۷). هر چند سیستم‌های بسته با محیط و عناصر محیطی تعامل چندانی ندارد، سیستم‌های باز از تعامل بسیار زیادی با محیط و عناصر محیطی (دفت^{۱۲}، ۱۹۹۸) به‌منظور تبادل ماده، انرژی و اطلاعات برخوردار است. سیستم‌های باز، خود به دو دسته حلقه باز^{۱۳} و حلقه بسته^{۱۴} تقسیم می‌شود. سیستم‌های باز حلقه باز از جمله سیستم‌هایی است که فاقد حلقه بازخوران^{۱۵} است و میان ورودی^{۱۶}، فرایند^{۱۷} و خروجی^{۱۸} آنها رابطه نیست و در مقابل، سیستم‌های باز حلقه بسته دارای حلقه بازخوران است به‌گونه‌ای که میان ورودی، فرایند و خروجیهای آنها رابطه هست. سیستم‌های باز حلقه بسته خود به دو دسته سیستم‌های باز حلقه بسته مثبت و سیستم‌های باز حلقه بسته منفی تقسیم می‌شود. در سیستم‌های باز حلقه بسته مثبت رابطه مستقیم میان عناصر سیستم برقرار است به این صورت که بیشتر به بیشتر و کمتر به کمتر منجر می‌شود. در مقابل در سیستم‌های باز حلقه بسته منفی، رابطه معکوس میان عناصر سیستم برقرار است تا نظم و تعادل و تناسب در سیستم ایجاد و از آن نگهداری کند به این صورت که بیشتر به کمتر و کمتر به بیشتر منجر می‌شود تا

-
- 1 - Systemic
 - 2 - Boulding
 - 3 - Bruns & Stalker
 - 4 - Beer
 - 5 - Miller
 - 6 - Scot
 - 7 - Nicholas
 - 8 - Environment
 - 9 - Closed Systems
 - 10 - Open Systems
 - 11 - Tompson
 - 12 - Daft
 - 13 - Open Loop
 - 14 - Closed Loop
 - 15 - Feedback
 - 16 - Input
 - 17 - Process
 - 18 - Output

تعادل در سیستم برقرار شود (صادقی مال امیری، ۱۳۸۹). برای سیستم‌های باز ویژگی‌هایی ذکر شده است که عمدتاً در مورد سیستم‌های بازخوران منفی صدق می‌کند (صادقی مال امیری، ۱۳۸۸)؛ آگاهی نسبت به محیط^۱، بازخور، ویژگی دورانی^۲، آنتروپی منفی^۳، ثبات^۴، رشد و توسعه^۵، تعادل تعادل بین فعالیتهای نگهدارنده و انطباقی^۶، هم‌پایانی^۷ و ساختار سلسله‌مراتبی (رابینز^۸، ۱۹۸۷). در نمودار شماره (۱)، انواع سیستم‌ها بر اساس رابطه با محیط به تصویر کشیده شده است.

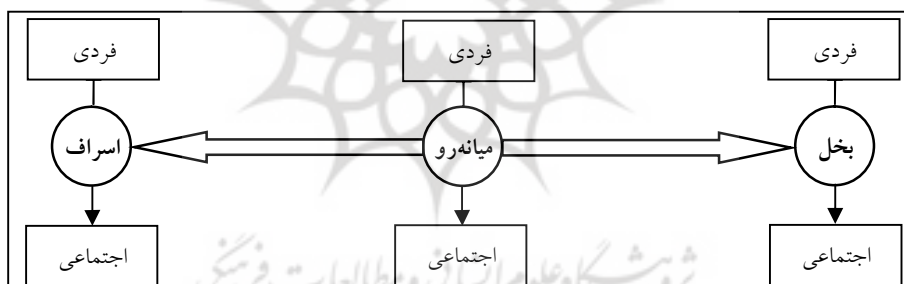


نمودار شماره ۱: انواع سیستم‌ها از نظر رابطه با محیط

بر اساس ادبیات اسلامی، متغیرهای سه گانه «بخل»، «میانه‌روی» و «اسراف» بر اساس دو بُعد «فردی» و «اجتماعی»، رفتار فرد را در قالب یک پیوستار، شکل می‌دهد (نمودار شماره ۲). بخل، که نقطه مقابل اسراف است و به تفریط در رفتار اشاره دارد بر اساس دو متغیر «بخل فردی» و «بخل اجتماعی» سنجیده می‌شود. بخل فردی شامل استفاده کمتر از حد از اعضا و جوارح و منابع و امکانات و مصرف نکردن در جاهای لازم و متناسب توانایی است. بخل اجتماعی، نپرداختن واجبات از مال و درآمد (نظیر خمس و زکات) و نداشتن بخشش (بخشش برای خودنمایی، بخشش همراه با منت، بخشش را تلف دانستن و بخشش کم را اسراف پنداشتن) است. میانه‌روی، که حد وسط بخل و اسراف است و به اعتدال در رفتار اشاره دارد بر اساس دو متغیر «میانه‌روی فردی» و «میانه‌روی اجتماعی» سنجیده می‌شود. میانه‌روی فردی شامل استفاده بجا از اعضا و جوارح و منابع

- 1 - Environment Awareness
- 2 - Cyclical Character
- 3 - Negative Entropy
- 4 - Steady
- 5 - Growth and Expansion
- 6 - Balance Maintenance and adaptive activities
- 7 - Equifinality
- 8 - Robbinz

و امکانات، کسب حلال (تلاش به میزان درآمد) و مصرف صحیح (مصرف در راه حلال و مصرف به اندازه) است. میانه‌روی اجتماعی، پرداخت واجبات (نظیر پرداخت خمس و زکات) و بخشش (بخشش چیزهای مورد علاقه و خیر، منت نگذاشتن، بخشش پیش از درخواست، نداشتن انتظار بخشش متقابل، بخشش به اندازه، بخشش به مستحق و بخشش رضایت‌مندانه) است. اسراف، که به زیاده روی در رفتار اشاره دارد براساس دو متغیر «اسراف فردی» و «اسراف اجتماعی» سنجش می‌شود. اسراف فردی به استفاده نابجا (اعضا و جوارح و منابع و امکانات)، مصرف غیر صحیح (مصرف در راه حرام و مصرف بیش از اندازه)، خرید و نگهداری چیزهای غیر لازم، دور ریختن وسایل قابل تعمیر و قابل مصرف و «چیزهای زیانبار برای سلامت (پرخوری و مسکرات) اشاره دارد. اسراف اجتماعی شامل بخشش به افراد غیر مستحق (کسانی که قادر به کارند، ثروتمندان و عدم توجه به اولویت افراد مستحق از نظر نزدیکی) و بخشش بیش از اندازه (زیاده‌روی در بخشش نظیر بیش از توانایی خود و بیش از نیاز گیرنده و دادن همه چیز خود) است (صادقی مال‌امیری، ۱۳۹۲).



نمودار شماره ۲: پیوستار رفتارهای سه‌گانه

این پژوهش بر آن است تا مشخص کند هر کدام از رفتارهای سه‌گانه بخل، میانه‌روی و اسراف از نظر رابطه با محیط، متناسب کدام یک از سیستم‌ها عمل می‌کند؛ لذا سؤالات تحقیق عبارت است از: (۱) بخل از نظر رابطه با محیط، متناسب کدام یک از سیستم‌ها عمل می‌کند؟ (۲) اسراف از نظر رابطه با محیط، متناسب کدام یک از سیستم‌ها عمل می‌کند؟ (۳) میانه‌روی از نظر رابطه با محیط، متناسب کدام یک از سیستم‌ها عمل می‌کند؟ (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: ساختار حاکم بر سؤالات تحقیق

باز			بسته	انواع سیستم‌ها از نظر رابطه با محیط رفتارهای سه گانه
حلقه بسته		حلقه باز		
منفی	مثبت			
؟	؟	؟	؟	بخل
؟	؟	؟	؟	اسراف
؟	؟	؟	؟	میانه‌روی

روشنگری در زمینه این سؤالات کمک می کند تا با بهره گیری توأم از ادبیات عرصه تکوین و تشریح، انواع سیستم‌ها و رفتارها را بهتر تحلیل، فهم و درک، و سپس معطوف به سیستم‌ها و رفتارهای مطلوب، آنها را مدیریت کرد.

۲ - روش

با توجه به سؤالات پژوهش، که بیانگر مقایسه رفتارهای سه گانه با انواع سیستم‌ها از نظر رابطه با محیط است در تحقیق از روش تطبیقی^۱ و آن‌هم از نوع کیفی استفاده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، قلمرو تحقیق شامل رفتارهای سه گانه بخل، میانه‌روی و اسراف و سیستم‌های چهارگانه بسته، باز حلقه باز، باز حلقه بسته مثبت و باز حلقه بسته منفی است.

به منظور پاسخ به سؤالات تحقیق، پژوهش طی این مراحل انجام شده است:

۱) سیستم‌ها از نظر رابطه با محیط بر اساس ادبیات مربوط مورد مطالعه قرار گرفت و مشخص شد که سیستم‌ها را از نظر رابطه با محیط می‌توان به چهار طبقه بسته، باز حلقه باز، باز حلقه بسته مثبت و باز حلقه بسته منفی، طبقه‌بندی کرد.

۲) رفتارهای سه گانه بخل، میانه‌روی و اسراف بر اساس ادبیات مربوط مورد مطالعه قرار گرفت و ویژگیهای این رفتارها تعیین شد.

۳) مفاهیم رفتارهای سه گانه با مفاهیم سیستم‌های چهارگانه از نظر تشابهات و تمایزات مورد مقایسه قرار گرفت که مشخص شد بخل همانند سیستم بسته، میانه‌روی همانند سیستم باز حلقه بسته منفی و

1 - Comparative Method

اسراف همانند سیستم باز حلقه باز عمل می‌کند؛
 (۴) داده‌ها متناسب نتایج بر محور بخل به‌عنوان سیستم بسته، اسراف به‌عنوان سیستم باز حلقه باز و میانه‌روی به‌عنوان سیستم باز حلقه بسته منفی، وحدت و انسجام داده شد. در پاسخ به سؤالات تحقیق، متوسط ارجاع به منابع استفاده شده در حدود ۳.۳ است. ترکیب حمایت منابع در پاسخ به سؤالات اول، دوم و سوم تحقیق به ترتیب ۳۲ درصد، ۲۲ درصد و ۴۶ درصد است.
 (۵) در قالب نتیجه‌گیری، الگوی سیستمی تحلیل بخل در نقش سیستم بسته، میانه‌روی در نقش سیستم باز حلقه بسته منفی و اسراف در نقش سیستم باز حلقه باز، اکتشاف شد.

۳ - یافته‌ها

معطوف به سؤالات تحقیق، داده‌ها در مورد رابطه رفتارهای سه‌گانه بخل، میانه‌روی و اسراف با محیط بیانگر این است که بخل به‌عنوان سیستم بسته عمل می‌کند؛ اسراف همانند سیستم باز حلقه باز نمود دارد و میانه‌روی در قالب سیستم باز حلقه بسته منفی عینیت می‌یابد.

۳ - ۱ - بخل به‌عنوان سیستم بسته

سیستم‌های بسته آنهایی است که با محیط تبادل انرژی، ماده و اطلاعات ندارد (دیویس و اولسون^۱، ۱۹۸۴). بر اساس قانون دوم ترمودینامیک، این سیستم‌ها به سمت آنتروپی مثبت^۲ می‌رود (اسکات، ۱۹۹۲). اصل بقای آنتروپی مثبت بر سیستم‌های بسته موجب می‌شود تا به مرور زمان به ضعف بگردید و به‌سوی بی‌نظمی و اضمحلال پیش رود (مورگان^۳، ۱۹۸۶). خاستگاه اندیشه سیستم بسته، علم فیزیک، و آن هم فیزیک کلاسیک است که اتمها را کوچکترین عناصر غیر قابل تجزیه هستی که جدا و بدون ارتباط با هم هستند، قلمداد می‌کند. از نظر دموکریتوس^۴ از فیلسوفان قرن پنجم قبل از میلاد، که پدر نظریه اتم شناخته می‌شود، اساس هستی، ذرات اتمی است و آن ذرات ازلا و ابداء در یک حالت، و بدون تغییر است. او بر این عقیده بود که همه پدیده‌ها از اتمهای جدا از هم تشکیل شده است (صادقی مال‌امیری، ۱۳۸۹)؛ یعنی اتمها عناصری جدا از هم است که در خلأ حرکت می‌کند و با همدیگر ارتباطی ندارد. بر این اساس بوهم^۵ (۱۹۹۸)، نتیجه‌گیری می‌کند

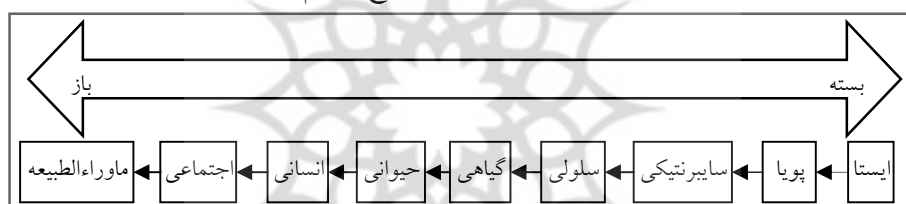
1 - Davis & Olson
 2 - Positive Entropy
 3 - Morgan
 4 - Democrite
 5 - Bohm

که یکی از اشکال غایی رویکرد جداسازی در فیزیک را باید در باور پذیرفته شده قدیمی دید که بر طبق آن جهان هستی از ذرات پایه‌ای جدا از هم تشکیل شده است که هر یک جوهر ثابتی دارد که سنگ بنای همه واقعیات موجود به‌شمار می‌آید؛ اما در واقع هیچ سیستمی در نظام هستی به‌طور کامل بسته نیست و می‌توان با توجه به طبقه‌بندی سیستم‌ها از نظر بولدینگ (۱۹۵۶)، سیستم‌ها را به‌طور نسبی بر پیوستاری از بسته تا باز به تصویر کشید (نمودار شماره ۳): (۱) سیستم‌های ایستا؛ سیستم‌هایی هستند که با محیط ارتباط چندانی ندارد. سیستم‌هایی نظیر اتمها از نوع سیستم‌های ایستا به‌شمار می‌رود. قوانین استاتیک، توجیه‌کننده رفتار این سیستم‌ها است. (۲) سیستم‌های پویا^۱: سیستم‌های پویا دارای حرکات از پیش تعیین شده است؛ سیستم‌هایی نظیر ساعت، دوچرخه و منظومه شمسی از جمله سیستم‌های پویا است. قوانین ترمودینامیک، توجیه‌کننده رفتار این سیستم‌ها است. (۳) سیستم‌های سایبرنتیکی^۲: این سیستم‌ها خودکنترل، خودتنظیم و هدف‌جو است؛ اما نمی‌تواند هدف خود را تغییر دهد. عمل تنظیم و کنترل و تعادل در سیستم‌های سایبرنتیکی به‌صورت خودکفا توسط خود سیستم انجام می‌شود. در سیستم‌های مصنوعی بعضی از سیستم‌های سایبرنتیکی عبارت است از ترموستات و ترموکوپل. (۴) سیستم‌های سلولی^۳: حیات در موجودیتهای منحصربه‌فردی به‌نام ارگانسیم یافت می‌شود. هر ارگانسیم یک سیستم است. این سیستم‌ها مرز جماد و نبات، و ویژگی برجسته آنها این است که می‌تواند تولید مثل کند. از این سطح تحت عنوان سیستم‌های باز نیز یاد می‌شود. هر ارگانسیم، ساخت و کارکرد دارد و دائماً در حال شدن است به این صورت که بتدریج رشد و تکامل می‌یابد و می‌میرد. (۵) سیستم‌های گیاهی^۴: این سطح از چندین سلول تشکیل می‌شود که نوعی تقسیم کار بین آنها وجود دارد. این سیستم‌ها از طریق بذر تکثیر می‌شود. به این صورت که رشد و نمو آنها از قبل برنامه‌ریزی شده است. (۶) سیستم‌های حیوانی^۵: چنین سیستم‌هایی از خود آگاهی و پویایی بیشتری برخوردارند و دارای حواس پیشرفته‌تری هستند. هم‌چنین دارای اعصاب برای انتقال اطلاعات و مغز برای تحلیل داده‌ها هستند. (۷) سیستم‌های

-
- 1 - Static Systems
 - 2 - Dynamic Systems
 - 3 - Cyberntic Systems
 - 4 - Cells Systems
 - 5 - Plants Systems
 - 6 - Animals Systems

انسانی^۱: سیستم‌های انسانی به‌میزان بیشتری بر استعداد کسب توانایی خود، آگاهی دارند. سیستم‌های این سطح، کمال‌جو هستند. انسان تنها موجودی است که آرمان‌هایی تدوین می‌کند که پیوسته به آنها نزدیک می‌شود؛ اما هرگز نمی‌تواند کاملاً به آنها برسد. اگر قرار است انسان، آرمانی را پیوسته دنبال کند، هرگز نباید به کمتر از آن رضایت دهد. به محض دستیابی به یک هدف، باید هدف دیگری را که دست یافتن به آن، شخص را به آرمان نزدیکتر می‌کند، جستجو کند. (۸)

سیستم‌های اجتماعی^۲: این سطح شامل سازمانهاست که حداقل از دو انسان تشکیل می‌شود. این سیستم‌ها در زمره پیچیده‌ترین سیستم‌ها است؛ زیرا انسان به‌طور فردی به‌خودی خود سیستمی پیچیده است و زمانی که بیش از یکی از این سیستم‌ها وارد تعامل با دیگری شود به‌مراتب سیستم پیچیده‌تر خواهد شد (۹) سیستم‌های ماوراءالطبیعه^۳: سیستم‌هایی که برای بشر ناشناخته است بویژه برای بشر امروزی، تمامی وجود ماوراء ماده در زمره این نوع سیستم‌ها قرار می‌گیرد.



نمودار شماره ۳: سیستم‌های نُه‌گانه بر اساس میزان بسته تا باز بودن

هر چند تحت تاثیر جهان‌بینی منطقی و فیزیک کلاسیک از سیستم‌های غیر زنده و کاملاً بسته یاد می‌شود، یافته‌های فیزیک نوین (نظیر نظریه نسبیت، نظریه کوانتوم و نظم باطنی فراگیر) و آموزه‌های وحیانی بیانگر این است که این سیستم‌ها مطلقاً بسته نیست و زنده است و نظام هستی و هر یک از پدیده‌های تشکیل‌دهنده آن یک کل یک‌پارچه، منسجم و غیرقابل تجزیه است که توسط نیروهای نامرئی به هم مرتبط می‌شود. در نظریه کوانتوم در مقیاس اتمی و زیر اتمی مشخص شده است که نمی‌توان پدیده قابل مشاهده را مستقل از وضعیتی فرض کرد که در آن قرار دارد. در عوض باید گفت که نوع موقعیتی که مشاهده در آن صورت می‌گیرد و معنایی که از نتایج مشاهده می‌شود، باید یک کل به حساب آید. به اعتقاد انیشتین، جهان هستی هم‌چون گستره‌ای یکپارچه، واحد و غیرقابل تقسیم است؛ لذا هیچ‌گونه موجودیت مستقل و جدایی نظیر آنها، نمی‌تواند باشد.

- 1 - Human Systems
- 2 - Social Systems
- 3 - Trascendental Systems

در نظریه نظم فراگیر باطنی بوهم (۱۹۹۸)، هر چیزی از درون در پیوند با هر چیز دیگر است. بر این اساس، هیچ چیز کامل نیست و موجودیت کامل آنها تنها در پیوند و شراکت آنها در جمع چیزهای دیگر قابل فهم است. خداوند متعال نیز می‌فرماید همه موجودات خدا را تسبیح می‌گویند (اسراء/ ۴۴؛ نور/ ۴۱؛ حشر/ ۲۴؛ جمعه/ ۱؛ تغابن/ ۱)؛ اما شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید (اسراء/ ۴۴).

با اینکه هیچ سیستمی به‌طور کامل بسته نیست (دفت، ۱۹۹۸)، می‌توان چنین سیستمی را در ذهن آفرید و تا اندازه‌ای به آن جامه عمل پوشاند. در این زمینه می‌توان به دیدگاه‌های عقلایی و طبیعی به سازمان و به بخل اشاره کرد. دیدگاه عقلایی^۱ که متشکل از نظریه مدیریت علمی^۲ تیلور^۳ (۱۹۱۱، ۱۹۶۱) نظریه فرایند مدیریت^۴ فایول^۵ و نظریه بوروکراسی^۶ وبر^۷ (۱۹۴۷) است و دیدگاه طبیعی که متشکل از نظریه روابط انسانی^۸ مایو^۹ (۱۹۳۳)، نظریه سیستم‌های هم‌کاری^{۱۰} بارنارد^{۱۱} (۱۹۸۸)، سازمان را که سیستمی باز است و در سطح هشتم سلسله مراتب سیستم‌ها قرار دارد، سیستمی بسته قلمداد کرده‌اند. اندیشه‌های این صاحب‌نظران بر عوامل سیستمی سازمان متمرکز، و عوامل محیطی را نادیده گرفته است. بخل نیز انسان را، که از جمله سیستم‌های باز است و در سطح هفتم سطوح سلسله مراتب سیستم‌های نه‌گانه قرار دارد و یکی از رموز موفقیتش نیز همین سطح باز بودنش نسبت به سایر موجودات است، به سمت سیستمی بسته و بسته‌تر سوق می‌دهد به این صورت که ساختار بخل به گونه‌ای عمل می‌کند که انسان را به سمت و سوی سیستم‌های سطوح پایین‌تر سوق می‌دهد که بسته‌تر است؛ یعنی رفتار و عملکرد بخیلانه به گونه‌ای است که موجب شکل‌گیری سیستمی بسته می‌شود؛ زیرا ماهیت این رفتار به شیوه‌ای عمل می‌کند که همه تعاملات از جمله ارتباط با «خدا» و «مردم» را نابود می‌کند و از بین می‌برد.

به بیان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، بخیل از «خدا» دور است (تهرانی، ۱۳۸۰). امام صادق

- 1 - Rational
- 2 - Scientific management theory
- 3 - Taylor
- 4 - Management process theory
- 5 - Fayol
- 6 - Bureaucracy theory
- 7 - Weber
- 8 - Human relation theory
- 9 - Mayo
- 10 - Cooperative systems theory
- 11 - Barnard

علیه‌السلام نیز تأکید دارند که بخل، انسان را از خدا دور می‌کند (کلینی، ۳۲۹، روایت ۵)؛ زیرا به گفته امام کاظم علیه‌السلام بخیل از پرداخت آنچه خدا در مالش بر او واجب نموده است، خودداری می‌کند (صدوق، ۳۸۱a، ج ۲: ۱۰؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۴؛ حر عاملی، ۱۱۰۴b، ج ۹؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۶). بخل موجب امساک، نگهداشتن و حبس کردن اموالی است که حق نیست نگهداشته شود (راغب، ۵۰۲، ج ۱: ۱۵۲). به بیان حضرت امیر علیه‌السلام، کسی که در رفاه باشد و سخت گیرد، خدا دشمنش می‌دارد (مشکینی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). از حضرت رضا علیه‌السلام نیز نقل شده است که خداوند متعال کم‌روی و بخل را ناپسند می‌داند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۳-۳۳۹). از حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است که فرمود هر کس از پرداخت حق و حقوق [دیگران] خودداری کند در دشمنی با خدا است (حجازی، ۱۴۱۹: ۴۷۵). مهمتر از همه، آنچه در زمینه بخل، انسان را از خدا دور می‌کند، سوء ظن و بدگمانی به الطاف کریمانه الهی است؛ زیرا بخیل به دلیل ترس از فقر، بخل می‌ورزد؛ حال اینکه خداوند روزی افراد را تضمین کرده است. امام حسن عسکری علیه‌السلام در این زمینه روشنگری می‌کند که نباید روزی تو که مورد ضمانت است تو را از رفتار واجب باز دارد (ابن شعبه، ۳۸۱: ق: ۴۸۹). حضرت مهدی (عج) نیز تأکید می‌کنند که بخشش کنید و تفریط (بخل) نکنید که بخشش مانع نیاز شماست (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۳: ۵۲۳)؛ لذا خداوند متعال درباره امیدواری به رحمتش در حدیث قدسی می‌فرماید بر طبق ظن بنده خود رفتار می‌کنم، اگر حسن ظن داشته باشد، مطابق آن و اگر سوء ظن داشته باشد نیز مطابق آن با او رفتار می‌کنم (طبرسی، ۵۴۸، ج ۱۶: ۲۱۷).

رفتار و عملکرد بخیلانه موجب شکل‌گیری سیستمی بسته جدای از مردم می‌شود. به بیان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت رضا علیه‌السلام، بخیل از مردم دور است (تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۸ و ۳۴۹)؛ زیرا خداوند کسانی را بخیل می‌داند که از آنچه از فضل خویش به آنان عطا کرده است انفاق نمی‌کنند (آل عمران/۱۸۰). در این زمینه، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به بعضی از مصداقهای انفاق نکردن، اشاره می‌کند و می‌فرماید بخیل شخصی است که زکات واجب مالش را نپردازد؛ شریک پیشامدهای قوم خود نباشد و در میان آنان دست بخشش نداشته باشد (صدوق، ۳۸۱a، ج ۲: ۱۰۴). علاوه بر زکات، یکی دیگر از واجبات، که باید از مال پرداخت شود، خمس است؛ زیرا به آنچه علاوه بر سرمایه اصلی و هزینه عادی زندگی به‌طور خالص به‌دست می‌آید، خمس تعلق می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۲). امام حسین علیه‌السلام و امام

صادق علیه السلام، بخیل را کسی می‌داند که از سلام دادن به دیگری خودداری کند (صدوق، ۳۸۱a، ج ۲: ۱۰۴؛ ابن شعبه، ۳۸۱ ق: ۲۸۳). پیامبر بخیل واقعی را کسی قلمداد می‌کند که نام آن حضرت نزد وی برده شود و بر او صلوات نفرستد (صدوق، ۳۸۱a، ج ۲: ۱۰۵؛ حکیم، ۱۳۶۰: ۵۶۷) زیرا خداوند می‌فرماید خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر پیامبر درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (او) باشید (احزاب/ ۵۶). امیر مؤمنان علیه السلام بیان می‌کند، بخیل به دلیل بخل از صدقه، زکات، صلح رحم، مهمانداری و از انفاق در راه خدا و کار نیک سرباز می‌زند (طبرسی، ۵۴۸، ج ۱: ۲۵۳) و حتی انفاق را تلف به شمار می‌آورد (اربعی، ۶۹۲، ج ۲: ۱۴۰؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۵: ۱۱۳). در کلام امام حسن علیه السلام بخیل، بخشش کم را اسراف انگارد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۵: ۱۱۳) حال اینکه هر کدام از موارد سلام، صدقه و بخشش، زکات، صلح رحم، مهمانداری، انفاق و کار نیک، مداخلی برای ورود به تعامل با دیگران است و انسان را از محدود شدن و بسته شدن به سوی سیستمی باز و بازتر سوق می‌دهند. بخل به اندازه‌ای عملی نامناسب و ناپسند است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را مایه جدایی از اهل بیت خویش می‌داند و می‌فرماید از ما نیست کسی که به او توسعه مالی داده شده است؛ اما بر خانواده‌اش تنگ می‌گیرد (نوری، ۱۴۰۸). از امام رضا علیه السلام نقل شده است که بخیل از غذای مردم نمی‌خورد تا مردم از غذایش نخورند (صدوق، ۳۸۱d، ج ۲: ۱۲؛ ابن شعبه، ۳۸۱ ق: ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸: ۳۳۹). با وجود این از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که غذای بخیل درد است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۸ - ۳۴۹)؛ لذا حضرت امیر علیه السلام تأکید دارند که بخل ملامت آور (ابن شعبه، ۳۸۱ ق: ۸۰) و موجب عداوت و دشمنی می‌شود (آمدی، ۵۱۰). بخیل هیچ دوستی ندارد و حتی بین عزیزان خود نیز ذلیل است (آمدی، ۵۱۰). از این رو، حضرت امیر علیه السلام نتیجه می‌گیرد آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آنها گرفته اما دستهای فراوانی را از خویش دور کرده است و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت (سید رضی، ۴۰۰، خطبه ۲۳)؛ لذا حضرت بیان می‌کند که مؤمن بخل نمی‌ورزد و اگر بر او بخل ورزیده شود، صبر می‌کند (تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۴۸). بر این اساس حضرت در نامه معروف خود به مالک اشتر، او را به مشورت نکردن با چند دسته محدود از افراد توصیه می‌کند که یکی از آنها بخیل (دو دسته دیگر افراد ترسو و حریص هستند) است. بخیل را در مشورت خود راه نده که تو را از بخشش باز می‌دارد و از تهیدستی و فقر

می‌ترساند (سید رضی، ۴۰۰، نامه ۵۳؛ آمدی، ۵۱۰) حال اینکه به گفته امام، بخیل در دنیا همانند فقیران زندگی می‌کند (سید رضی، حکمت ۱۲۶) و نسبت به خود در مورد کمترین چیزی دریغ می‌کند و همه را به وارثانش می‌بخشد و در واقع خزانه‌دار وارثان خود است (آمدی؛ ۵۱۰: ۲۹۲).

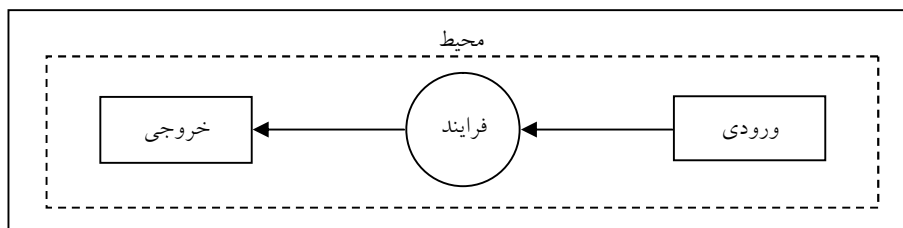
۳- ۲- اسراف به عنوان سیستم باز حلقه باز

سیستم‌های باز با محیط مرتبط است (دیویس و اولسون، ۱۹۸۴) و به تبادل انرژی، ماده و اطلاعات می‌پردازد (فارستر^۱، ۱۹۹۲؛ دفت، ۱۹۹۸). سیستم‌های باز حلقه باز به دلیل رابطه‌ای که با محیط دارد در زمره سیستم‌های باز قرار دارد؛ زیرا از یک سو منابع را از محیط وارد، و از سوی دیگر این منابع را به خروجی تبدیل، و آنها را به محیط وارد می‌کند. در تعامل سیستم و محیط، هم محیط بر سیستم تأثیر دارد و هم سیستم بر محیط تأثیر می‌گذارد (جدول شماره ۲). در وضعیت X11 عوامل سیستمی بر سیستم تأثیر می‌گذارد. در وضعیت X12 سیستم بر محیط تأثیر می‌گذارد. X21 بیانگر تأثیر محیط بر سیستم و X22 نشان‌دهنده تأثیر عوامل محیطی بر محیط است؛ پس از میان این نوع چهار رابطه تنها X11، X12 و X21 مرتبط با سیستم است. X11 نشانگر تعاملات عوامل سیستمی سیستم، X12 و X21 بیانگر تعاملات سیستم و محیط است (صادقی مال‌امیری، ۱۳۸۹)؛ پس منظور از محیط سیستم، محیط به معنی عام و همه محیط نیست و تنها بخشی از محیط است که بر سیستم تأثیر دارد و آن هم تأثیر تعیین‌کننده (نمودار ۲).

جدول شماره ۲: تعامل سیستم و محیط

		متغیر تأثیر گزار
۲ - محیط	۱ - سیستم	متغیر تأثیر پذیر
X21	X11	۱ - سیستم
X22	X12	۲ - محیط

سیستم‌های باز حلقه باز، فاقد حلقه بازخورد بین خروجیها، فرایند و ورودیهای مربوط است؛ به عبارت دیگر همان‌طور که فارستر (۱۹۹۲) معتقد است چنین سیستم‌هایی نسبت به عملکرد خود آگاهی ندارد و عملکرد گذشته آنها بر عملکرد آینده‌شان تأثیر نمی‌گذارد (نمودار شماره ۴).



نمودار شماره ۴: سیستم باز حلقه باز

با توجه به اینکه سیستم‌های حلقه باز فاقد بازخوران است نه تنها به سمت توسعه و پیشرفت نمی‌رود، بلکه عمدتاً به سوی بی‌نظمی پیش می‌رود. همانند مدیری که بدون توجه به موقعیت و بازتاب‌های تصمیم خود به تصمیم‌گیری و عمل اقدام می‌کند یا چنانچه سیستم‌های بازخوران منفی در نظام ایمنی بدن انسان صدمه ببیند و در قالب سیستم حلقه باز عمل کند، هنگام حمله ویروسها و میکروبها به بدن، انسان را با خطر نابودی رو به رو می‌کند؛ برای مثال زمانی که انسان به ویروس سرماخوردگی مبتلا می‌شود، سیستم ایمنی بدن از طریق حلقه بازخوران منفی، هشدار لازم را صادر، و از طریق افزایش دمای بدن شروع به نابودی این ویروسها می‌کند. حال چنانچه این سیستم بازخوران منفی به سیستم حلقه باز تبدیل شود، قادر به صدور چنین فرمانی نیست و ویروسها وجود آدمی را نابود می‌سازد. به گونه‌ای ملموستر، چنانچه سیستم‌هایی نظیر سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی فاقد بازخوران منفی (ترموستات و ترموکوبل) باشد که دما را در حد معینی حفظ کند، همانند سیستم حلقه باز عمل می‌کند و موجب نابودی این سیستم‌ها و هدر دادن منابع می‌شود. پس اگر یک سیستم گرمایشی، که از طریق ورود گازوئیل و سوخت آن، گرما تولید می‌کند، فاقد ترموستات باشد، باید پیوسته فعالیت کند که این خود باعث می‌شود که اولاً سیستم سریعتر از کار بیفتد. ثانیاً ورودی (گازوئیل) بیشتر از آنچه نیاز است، وارد شود و لذا منابع را هدر دهد و ثالثاً خروجی (گرما) بیشتر از آنچه نیاز است، تولید و هدر می‌دهد. افرادی که دچار اسراف هستند، گرفتار چنین ساختاری هستند؛ زیرا هرچند مسرفان به دلیل اینکه هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی دارای مصرف هستند و همانند سیستمی باز عمل می‌کنند به دلیل نداشتن معیار و استاندارد (آستانه کفایت)، همانند سیستم حلقه باز عمل می‌کند و در زندگی فردی و اجتماعی خود دچار افراط و زیاده‌روی مافوق آستانه کفایت می‌شود.

تامل در آیات الهی بیانگر این است که اسراف از معنا و مفهوم بسیار گسترده و وسیعی

برخوردار است بویژه زیاده‌روی و گذشتن از حد و اندازه در عرصه‌های مختلفی از جمله خوردن و آشامیدن (اعراف / ۳۱)، انفاق و بخشش (فرقان / ۶۷)، انتقام‌گیری و قصاص (اسراء / ۳۳)، قضاوت و داوری (غافر / ۲۸)، اعتقادات منتهی به تردید (غافر / ۳۴)، استفاده نابجا از نعمتهای الهی (اعراف / ۸۱)، برتری‌جویی و استکبار و استعمار (دخان / ۳۱) و هر گونه گناه (زمر / ۵۳). قرآن پژوهان نیز اسراف را به معنای خارج شدن از حد اعتدال (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۶۷) و تجاوز کردن از «حد» در هر عملی که انسان انجام می‌دهد (راغب، ۵۰۲، ج ۲: ۳۰۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۶۷) و هر گونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۴۹)، تعریف می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام در زندگی فردی بیان می‌کنند که اسراف در چیزی است که به بدن ضرر زند (طبرسی، ۵۴۸، ج ۱: ۱۱۱ و ۱۱۰؛ شعیری، ۱۳۶۳؛ حجازی، ۱۴۱۹: ۴۷۷؛ هندی، ۱۴۰۹) و کمترین میزان اسراف عبارت است از لباس بیرون (لباس مراسمات و مهمانها) خود را در وقت کار و در منزل پوشیدن، زیادی آب را ریختن و هسته میوه را انداختن (حر عاملی، ۱۱۰۴a). در کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام، اسرافکار سه نشانه دارد: (۱) چیز غیر لازم می‌خرد که به کارش نمی‌آید. (۲) لباسی می‌پوشد که در شأن او نیست. (۳) آنچه در خور او نیست، می‌خورد (صدوق، ۳۸۱b: ۹۱؛ صدوق، ۳۸۱c: ۴: ۲۲۴؛ مشکینی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). در توصیه‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین ذکر شده که چهار چیز است که ضایع می‌شود و از بین می‌رود: (۱) خوردن هنگام سیری (۲) روشن کردن چراغ هنگامی که خورشید یا ماه طالع است یا انسان به نور نیازی ندارد (۳) کشت و زرع در زمین شوره زار و سخت (۴) انجام دادن کار خیر برای کسانی که اهلیت آن را ندارند (حر عاملی، ۱۱۰۴ b: ۵). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، یادآوری می‌کند که برای وضو ده سیر آب و برای غسل، سه کیلو آب کافی است؛ ولی افرادی در آینده می‌آیند که این مقدار را کم می‌شمارند که آنها بر خلاف راه من می‌روند (فیض، ۱۰۹۰، ج ۱: ۳۰۱). در میان اسرافها، یکی از اسرافهای اصلی در زمینه خوردنیها و آشامیدنیها اتفاق می‌افتد. خداوند در بعضی از آیات به اسراف نکردن منابع نظیر خوردنیها و آشامیدنیها اشاره می‌کند: ای فرزندان آدم... از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد» (اعراف / ۳۱). ... بخورید و حق زکات فقیران را روز چیدن (میوه‌ها) بدهید و اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد» (انعام / ۱۴۱). از

این آیه چنین بر می آید که اسراف در زمینه خوردن و بخشیدن می تواند اتفاق بیفتد و یکی از مصداقهای اسراف در خوردن می تواند پرخوری باشد. امام سجاد علیه السلام (۹۵ ق) در رساله حقوق توضیح می دهد که حق شکم بر انسان این است که نه تنها بایستی حلال بخورد بلکه باید در خوردن حلال نیز به اندازه بخورد. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بیان می کند، یکی از اقسام اسراف این است که هر چه می خواهی بخوری (حکیم، ۱۳۶۰: ۷۵۵؛ صدوق، ۳۸۱۳ ق، ج ۳: ۱۵۵). از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید در حالی که هنوز به غذا میل داری، دست از غذا خوردن، بکش (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۲: ۲۹۰). حضرت امیر علیه السلام می فرماید، قبل از سیر شدن دست از غذا بکش (کلینی، ۳۲۹) و به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید، یکی از چهار چیزی که باعث می شود از مراجعه به پزشک بی نیاز شوی این است که در حالی که هنوز میل به غذا داری، دست از غذا خوردن بکشی (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۰: ۱۸۷). هم چنین حضرت به کمیل یادآور می شود، هنگامی که هنوز میل به خوردن غذا داری، دست از غذا بکش (ابن شعبه، ۳۸۱ ق). امام رضا علیه السلام نیز می فرماید، در حالی که هنوز مقداری میل داری از غذا خوردن دست بکش (امام رضا علیه السلام، ۲۰۳ ق: ۱۲). زیرا بر اساس منطق سیستم بازخوران منفی با تأخیر زمانی متوجه می شویم که سیر شده ایم.

اسراف در ارتباط با دیگران و زندگی اجتماعی فرد نیز به چند روش مصداق دارد که بعضی از آنها عبارت است از بخشش به افرادی که قادر به انجام کار هستند (سید رضی، ۴۰۰، خطبه ۱۲۶)، بخشش به ثروتمندان (مشکینی، ۱۳۸۷: ۲۷) و زیاده روی در بخشش (سید رضی، ۴۰۰، حکمت ۳۳؛ قاضی، ۴۵۴: ۱۲؛ دیلمی، ۸۴۱: ۲۹۸؛ خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۳: ۱۱۱؛ مجلسی، ۱۱۱۰: ۱۲۳ - ۱۲۵؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

۳ - ۳ - میانه روی به عنوان سیستم باز حلقه بسته منفی

سیستم های باز حلقه بسته منفی دو ویژگی اصلی و اساسی «سیستم باز» و «حلقه بسته منفی» را دارد.

۳ - ۳ - ۱ - سیستم باز: سیستم باز حلقه بسته منفی، همانند سیستم های حلقه باز در زمره «سیستم های باز» قرار دارد؛ همان طور که تامپسون بیان می کند، این سیستم ها از طریق وارد کردن ورودیها از محیط و پردازش ورودیها، آنها را در قالب خروجی به محیط صادر می کنند (تامپسون، ۱۹۶۷) و بر این اساس از محیط تأثیر می پذیرد و بر محیط تأثیر می گذارد (دفت، ۱۹۹۸) و به دنبال

سازگاری با تغییرات محیطی هستند (باکلی^۱، ۱۹۶۷). بر اساس قانون دوم ترمودینامیک، سیستم‌های باز به دلیل وارد کردن انرژی از محیط، می‌توانند آنتروپی منفی به دست آورند (دفت، ۱۹۹۸) و بر این اساس، تجدید قوا، و رشد کنند و از مرگ رهایی یابند (مورگان، ۱۹۸۶).

میان‌روی در زمره سیستم‌های باز قرار دارد؛ زیرا از طریق توسعه تعامل فرد با «خدا» و «دیگران»، وجود او را در قالب یک سیستم باز، بیشتر و بیشتر بسط و گسترش می‌دهد به این صورت که از دیدگاه امام صادق علیه‌السلام، خداوند اعتدال و میان‌روی را دوست دارد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۳-۳۳۹؛ صدوق، ۱۳۸۱د: ۴۷۰). روایت شده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود هیچ هزینه‌ای نزد خداوند از هزینه به‌اندازه نیاز بهتر نیست (صدوق، ۳۸۱۰ق، ج ۳: ۱۵۵، ج ۴: ۲۲۴). به باور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حضرت صادق علیه‌السلام، هر کس در زندگی اندازه داشته باشد خدا به او روزی می‌دهد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۷: ۵۶؛ رضائی، ۱۳۶۴: ۱۷۰؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۳: ۱۳۶۹: ۳۵۶؛ صدوق، ۳۸۱۰ق، ج ۳: ۷۲۳). از این رو، امام سجاد علیه‌السلام (۹۵ ه.ق) در صحیفه سجادیه از خدا می‌خواهد که اندازه گرفتن نیکو در خرج کردن را به او بیاموزد (نیایش ۲۰). هم‌چنین در زمینه بخشش که از جمله ابعاد میان‌روی است (صادقی مال‌امیری، ۱۳۹۲)، خداوند می‌فرماید، بخشش موجب دوستی خدا (آل عمران/ ۱۳۴؛ ابراهیم/ ۳۱؛ بقره/ ۱۹۵، ۲۵۴)، عدم پیروی از شیطان (بقره/ ۲۶۸؛ نساء، ۳۸)، آرمزش (بقره/ ۲۶۸؛ آل عمران/ ۱۷)، پاداش عظیم الهی (نساء/ ۴۰؛ حدید/ ۷) و خشنودی خدا (بقره/ ۲۶۵) می‌شود. بر این اساس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نتیجه‌گیری می‌کند شخص سخاوتمند به خدا نزدیک است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۸-۳۴۹) و بیان می‌کند، یکی از ویژگی‌هایی که باعث می‌شود خداوند فرد را در کنف حمایت خود جای دهد و بال رحمت خود بر او گستراند و او را وارد بهشت کند، این است که چون توان یابد، ببخشد (حکیم، ۱۳۶۰: ۷۶۷). اهمیت سخاوت تا جایی است که حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید که جاهل سخاوتمند از عابد بخیل افضل است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۸ و ۳۴۹).

ویژگی دیگر بخشش این است که نزدیکی و محبت مردم را جلب می‌کند. به بیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بخشش نوعی محبت است (مجلسی، ۱۱۱۰: ۱۷) که محبت مردم را جلب می‌کند (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۳: ۵۲۳) و باعث آشنایی (مشکینی، ۱۳۸۷: ۳۵۱) و نزدیکی است (صدوق،

۳۸۱b:ق: ۶۷)؛ لذا حضرت توصیه می‌کند که برادرت را با احسان و نیکی، سرزنش کن و با بخشش و انعام شر او را از خود دور کن (سید رضی، ۴۰۰، حکمت ۱۵۸). هم‌چنین از حضرت نقل شده است که اگر سخاوت را در چهره فردی می‌دیدید او را زیبا می‌یافتید که بینندگان را شادمان می‌ساخت (آمدی، ۵۱۰: ۶۰۶)؛ سوگند به آن خداوندی که تمامی صداها وارد شنوایی او می‌شوند، هیچ کسی در قلب انسانی شادی به وجود نیاورد مگر اینکه خداوند از آن شادی لطفی می‌آفریند و هنگامی که به ایجاد کننده شادی، مصیبتی فرود آید، آن لطف مانند آب که از سرایشی جاری می‌شود به سوی آن شخص جریان پیدا، و آن مصیبت را از او دور می‌کند (سید رضی، ۴۰۰، حکمت ۲۵۷). هم‌چنین از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است سخاوتمند از غذای مردم می‌خورد تا مردم از غذای او بخورند (صدوق، ۳۸۱d:ق، ج ۲: ۱۲؛ ابن شعبه، ۳۸۱:ق: ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۸: ۳۳۹)؛ زیرا بر اساس نقل امام باقر علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، غذا و سفره سخاوتمند، دوا و درمان است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷، ۶۸: ۳۴۸ و ۳۴۹). از این رو رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام رضا علیه‌السلام بیان می‌کنند، شخص سخاوتمند به مردم نزدیک است (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۸ و ۳۴۹).

۳ - ۲ - حلقه بسته منفی: سیستم باز حلقه بسته منفی بر عکس سیستم‌های باز حلقه باز، نه تنها حلقه بسته و بازخوران دارد، بلکه حلقه بسته و بازخوران آنها از نوع «منفی» است. همان گونه که مورگان، یادآوری می‌کند، منفی به این معنا است که هرگونه تغییری در هریک از متغیرها، باعث تغییر در جهت مخالف می‌شود به این صورت که بیشتر به کمتر و کمتر به بیشتر منتهی می‌شود تا در سیستم متناسب با معیار یا استاندارد، تعادل ایجاد شود (مورگان، ۱۹۸۶). پس سیستم بازخوران منفی^۱ در پی به دست آوردن و تثبیت هدفی معین است. در واقع این نوع بازخور بیانگر رفتاری هدفدار است. چنین سیستم‌هایی به دنبال پایداری و ثبات هستند. معمولاً طبیعت میل به توازن و تعادل دارد و این رفتار انسانهاست که برخی اوقات این تعادل را بر هم می‌زند (سنج^۲، ۱۹۹۲)؛ به عبارت دیگر، سیستم بازخوران منفی ارتباط معکوسی است که بین خروجیها و ورودیهای سیستم به منظور متعادل نگهداشتن شرایط معینی در داخل نظام و یا برای انطباق صادرشده‌های سیستم با معیارها، استانداردها و هنجارهای معین داده شده قبلی، برقرار می‌شود (میرزایی، ۱۳۶۷). این

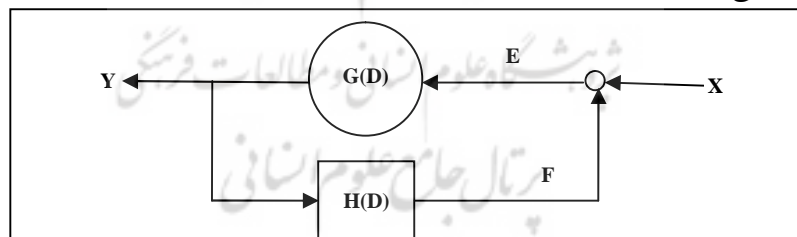
1 - Negative Feedback System

2 - Senge

ساختار موجب برقراری نظام کنترل و تنظیم در سیستم‌ها می‌شود و زیر بنای حرکت به سوی نظم و پویایی و هدف‌جویی سیستم است. بازخوران منفی به دلیل تعیین کردن وضع موجود و وضع مطلوب، مقایسه وضع موجود و مطلوب و یافتن انحرافها، موجب ایجاد تعادل، نظم و توسعه در سیستم می‌شود؛ برای نمونه، یک سیستم گرمایش که از طریق ورود گازوئیل و سوخت آن، گرما تولید می‌کند، اگر دارای حلقه بازخوران منفی (ترموستات) باشد، نیازی نخواهد بود که پیوسته کار کند. این خود باعث می‌شود که اولاً سیستم از عمر بیشتری برخوردار خواهد شد؛ زیرا مشعل سیستم، متناسب میزان درجه هوای مطلوب درخواستی عمل می‌کند که این خود باعث می‌شود که سیستم در زمان بیشتری غیر فعال، و تنها در زمان کمی فعال باشد. ثانیاً ورودی (گازوئیل) متناسب با میزان درجه هوای مطلوب درخواستی وارد، و لذا در استفاده از منابع، صرفه جویی می‌شود. ثالثاً خروجی (گرما) در حد کفایت تولید می‌شود و از هدر دادن خروجی بیش از آنچه نیاز بوده است، جلوگیری می‌کند.

علاوه بر این برای تعیین اهمیت و نقش سیستم بازخوران منفی در سلامت سیستم از یک تحلیل ساده ریاضی می‌توان کمک گرفت (نمودار شماره ۵):

X: وضع مطلوب G(D): عملیات یا فرایند H(D): بازخوران منفی
Y: وضع موجود E: سیگنال خطا F: سیگنال بازخوران



نمودار شماره ۵: سیستم بازخوران منفی

معادله سیستم بازخوران منفی را به شرح زیر می‌توان یافت:

$$E = X - F$$

$$F = H(D)Y$$

$$Y = G(D)[X - H(D)Y] \Rightarrow Y + G(D)H(D)Y = G(D)X$$

$$\Rightarrow Y [1 + G(D)H(D)] = G(D)X \Rightarrow$$

$$\frac{Y}{X} = \frac{G(D)}{1+G(D)H(D)} \Rightarrow \frac{Y}{X} = T(D) \Rightarrow T(D) = \frac{G(D)}{1+G(D)H(D)}$$

با توجه به اینکه در غالب سیستم‌ها مقدار $G(D) \times H(D)$ بمراتب از عدد یک بزرگتر است ($GH \gg 1$)، می‌توان عدد یک را در مخرج کسر حذف کرد:

$$T(D) = \frac{G(D)}{G(D)H(D)} \Rightarrow T(D) = \frac{1}{H(D)}$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود کمیت و کیفیت سیستم و خروجی آن $[T(D)]$ ، تقریباً مستقل از عملیات $[G(D)]$ و عمدتاً تحت تأثیر عناصر خرده سیستم بازخوران $[H(D)]$ است (فقیه، ۱۳۸۳). تقریباً میانه‌روی در قالب سیستم بازخوران منفی عمل می‌کند؛ زیرا میانه‌روی متمرکز بر رعایت آستانه کفایت و وضع مطلوب در زندگی فردی و اجتماعی است و سعی دارد همانند ترموستات از نزول فرد به رفتارهای تفریطی (بخل) و صعود آن به رفتارهای افراطی (اسراف) جلوگیری کند؛ یعنی هرگونه تغییری در هر یک از متغیرها، باعث تغییر در جهت مخالف می‌شود به این صورت که بیشتر (اسراف) به کمتر و کمتر (بخل) به بیشتر منتهی می‌شود تا در سیستم، متناسب با استاندارد، تعادل ایجاد شود.

میانه‌روی از طریق تمرکز بر استانداردهایی در زندگی فردی و اجتماعی، سیستم باز حلقه باز را به سیستم باز حلقه بسته منفی توسعه می‌دهد؛ زیرا افراد میانه‌رو می‌دانند که خداوند برای هر چیزی قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است (طلاق/ ۳) که نباید از این حدود تجاوز کرد (سید رضی، ۴۰۰، حکمت ۱۰۵). از دیدگاه باری تعالی کسانی (عباد رحمان) که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند (فرقان/ ۶۷)؛ پس میانه‌روی در قالب سیستم باز حلقه بسته منفی بر محور استانداردهای مربوط، حداکثرها را حداقل و حداقلها را حداکثر می‌کند تا زندگی فردی و اجتماعی فرد را در حد وسط بین بخل و اسراف به صورت متعادل نگه دارد به این صورت که فرد سعی می‌کند از درآمد و سایر نعمت‌هایی که خداوند به او داده است به میزان و اندازه و به گونه مشروع و بجا بهره‌گیری کند. امام صادق علیه‌السلام به گونه ملموسی توضیح می‌دهد که از جمله شکر الهی، عصیان نکردن اوست به نعمت‌هایش؛ یعنی نعمت او را به معصیت صرف نکردن، نه تنها نعمت‌های درونی نظیر اعضا، جوارح و قوا را به غیر آنچه

باید به کار برد، به کار گرفت، بلکه نعمت‌های خارجی نظیر مال را در مصارف نامشروع صرف نکند و اسراف را در آن جایز نداند (گیلانی، ۱۱۰۰: ۶۲). امام سجّاد علیه‌السلام (۹۵ ه.ق) نیز در رساله حقوق به‌طور جامع به حقی که دارایی بر انسان دارد می‌پردازد و یادآور می‌شود که حق دارایی این است که آن را جز از راه حلال به‌دست نیاوری و جز به راه حلال صرف نکنی و آن را بیجا خرج نکنی و از راه‌های درستش به نادرست منتقل نسازی و چون خداوند داده است جز در راه خدا و آنچه وسیله نزدیکی به خداست، قرارش ندهی. در این راستا، حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید خداوند به کسی که عطای بسیار می‌کند اجازه می‌دهد که از آن برای تأمین نیازهایشان به میزان مورد نیاز استفاده کند (مجلسی، ۱۱۱۰: ۱). از این رو، امام سجّاد علیه‌السلام (۹۵ ه.ق) در صحیفه سجّادیه از خدا می‌خواهد که اندازه گرفتن نیکو در خرج کردن را به او بیاموزد (نیایش ۲۰) و حضرت علی علیه‌السلام به فرزندش وصیت می‌کند که در زندگی خود، اندازه‌گیری داشته باشد (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۳۹-۳۴۳). حضرت در زمینه خوردنیها، می‌فرماید بر شما باد به میانه‌روی در خوراکیها که این کار از اسراف دورتر و برای تندرستی بهتر و برای عبادت کمک کار بهتری است (آمدی، ۵۱۰، ج ۱: ۸۶).

میانه‌روها در زندگی اجتماعی خود، که همانا در بردارنده بخشش به دیگران است، نیز دارای استانداردهایی هستند که مهمترین آنها عبارت است از بجا آوردن واجبات (آمدی، ۵۱۰: ۳۶۷؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۳: ۳۰۷؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۲: ۳۴۶ و ۳۴۵)، بخشش برای خدا (بقره، ۲۷۲؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۲: ۳۴۶ و ۳۴۵)، خودداری بخشنده از منت‌گذاری (بقره/ ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴؛ مشکینی، ۱۳۸۷: ۵)، نداشتن انتظار بخشش متقابل (اسراء/ ۷؛ کوفی، ۳۱۳: ۲۳۶؛ صدوق، ۳۸۱b: ۹۱؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۳: ۴۶۲؛ آمدی، ۵۱۰، ج ۲: ۱۲۶؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۷۵: ۱۲۱؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۶۷ و ۶۸: ۳۴۸-۳۴۹)، بخشش بیش از درخواست (سید رضی، ۴۰۰، حکمت ۵۳؛ مفید، ۴۱۳: ۱۹۵؛ آمدی، ۱۱۷: ۵۱۰)، اولویت‌بندی افراد در بخشش (بقره/ ۲۱۵، ۱۷۷؛ نساء/ ۳۶؛ ابن‌شعبه حرانی، ۳۸۱: ۳۲۷؛ حر عاملی، ۱۱۰۴: ۱۱۰۴، ج ۹: ۴۳۲؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱: ۱۲۳)، بخشش به نیازمندان (بقره/ ۲۷۳؛ رعد/ ۲۲؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۳: ۲۵۴؛ سید رضی، ۴۰۰، خطبه ۲۳؛ مشکینی، ۱۳۸۷: ۲۷)، بخشش به اندازه (فرقان/ ۶۲-۶۷) و بخشش چیزهای پاک و مورد علاقه (آل عمران/ ۹۶؛ بقره، ۲۱۵، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۳؛ مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۷: ۱۰۱).

۴ - نتیجه گیری

این پژوهش به منظور بررسی و مطالعه رفتارهای سه گانه بخل، میانه روی و اسراف از دیدگاه سیستمی انجام شده است. برای دستیابی به این مهم از دیدگاه سیستمی رابطه هر یک از رفتارهای سه گانه بخل، میانه روی و اسراف با محیط مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. مبتنی بر منابع مورد مطالعه، نتایج پژوهش نشان می دهد که از نظر رابطه با محیط بر بخل و بخیل منطق سیستم بسته، بر میانه روی و میانه رو منطق سیستم باز حلقه بسته منفی و بر اسراف و مسرف منطق سیستم باز حلقه باز، حاکم است (جدول شماره ۳).

جدول ۳: مقایسه رفتارهای سه گانه با انواع سیستمها

باز		بسته	انواع سیستمها از نظر رابطه با محیط رفتارهای سه گانه
حلقه بسته			
منفی	مثبت	حلقه باز	
			بخل
			اسراف
			میانه روی

ساختار بخل به گونه ای عمل می کند که انسان را که از جمله سیستمهای باز است و در سطح هفتم سطوح سلسله مراتب سیستمهای سه گانه قرار دارد و یکی از رموز موفقیتش نیز همین سطح باز بودنش نسبت به سایر موجودات است به سمت و سوی سیستمهای سطوح پایین تر سوق دهد که بسته تر است. در واقع، رفتار و عملکرد بخیلانه موجب شکل گیری سیستمی بسته جدای از همه موجودیتها از جمله خدا و مردم می شود؛ زیرا از ویژگیهای بخیل این است که فقیرانه زندگی می کند؛ حال اینکه فقیر نیست؛ می تواند به اندازه مصرف کند، اما مصرف نمی کند و یا کمتر از آن مصرف می کند؛ از سلام دادن به دیگران خودداری می کند؛ با شنیدن نام پیامبر بر او صلوات نمی فرستد؛ از پرداختن واجبات مالش خودداری می کند؛ از غذای مردم نمی خورد تا مردم از غذایش نخورند و از صدقه، صله رحم، مهمان داری و انفاق در راه خدا و کار نیک سرباز می زند. پس، ماهیت رفتار بخیلانه به گونه ای است که همه ارتباطات و تعاملات را نابود می کند و از بین می برد؛ لذا اصل بقای آنتروپی مثبت بر آن صادق است که به سوی بی نظمی، گندیدگی، اضمحلال

و سقوط پیش می‌رود.

میان‌روی، که در ارتباط با خود و در ارتباط با دیگران مصداق پیدا می‌کند، نه تنها در زندگی فردی و اجتماعی موجب شکل‌گیری و توسعه سیستمی باز می‌شود، بلکه از طریق تمرکز بر معیارهایی در زندگی فردی و اجتماعی، این سیستم باز به سیستم باز حلقه بسته منفی تبدیل می‌شود به این صورت که میان‌رو در زندگی فردی خود به معیارهایی نظیر کسب حلال، مصرف به اندازه و به‌شیوه حلال و استفاده بجا از اعضا و جوارح و منابع و امکانات توجه می‌کند و در زندگی اجتماعی خود، که بیانگر تعامل با دیگران است به معیارهایی نظیر به جا آوردن واجبات، بخشش برای خدا، خودداری از منت‌گذاری، نداشتن انتظار بخشش متقابل، بخشش به نیازمندان، بخشش به اندازه، بخشش پیش از درخواست و بخشش چیزهای پاک و مورد علاقه عنایت دارد. اصولاً در میان‌روی به دلیل وجود آستانه کفایت (معیارها)، بین فرایند و ورودی و هم‌چنین بین خروجی با فرایند و ورودی، ارتباط وجود دارد. این ارتباط، که در قالب حلقه‌های بازخوران منفی نمود دارد، سیستم را در میان بخل و اسراف متعادل نگه می‌دارد. این ساختار موجب برقراری نظام کنترل و تنظیم در رفتار می‌شود و به دلیل تعیین نمودن وضع موجود و وضع مطلوب رفتار، مقایسه وضع موجود و وضع مطلوب و یافتن انحرافها، اصل بقای آن‌رویی منفی بر آن حاکم است که زیر بنای خود ترمیمی و حرکت به سوی نظم، تعادل، پویایی و پیشرفت در سیستم است.

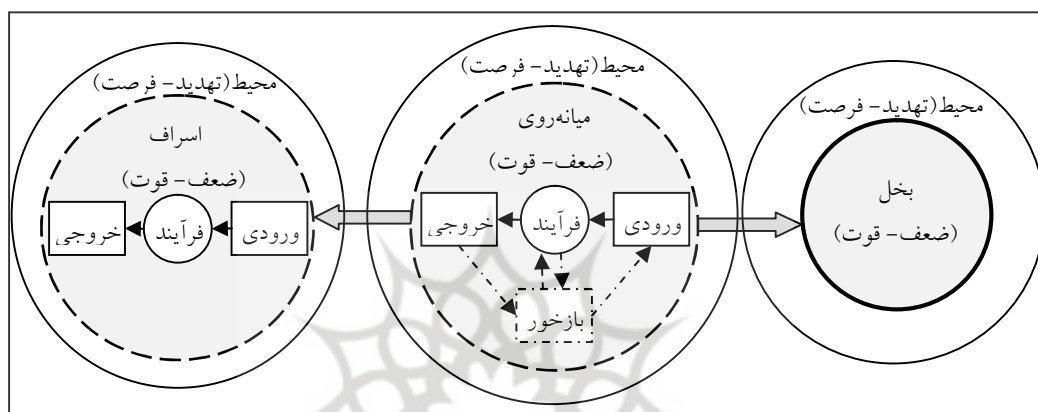
در مقابل، هر چند اسراف، سیستمی باز است به دلیل عدم توجه به معیارهایی در ارتباط با خود و دیگران، فاقد سیستم کنترل و بازخور است و همانند سیستم باز حلقه باز، که دچار افراط و زیاده‌روی است، عمل می‌کند؛ به این معنی که فرایندش با ورودیش و خروجی آن با فرایندش مرتبط نیست؛ یعنی در ارتباط با خود به دلیل عدم توجه به معیارها، دچار افراط‌هایی نظیر عدم بهره‌گیری بجا از اعضا و جوارح و منابع و امکانات، مصرف بیش از اندازه و در راه حرام، خرید و نگهداری چیزهای غیر لازم، دور ریختن چیزهای قابل مصرف و قابل تعمیر، پرخوری و استفاده از آنچه برای سلامت مضر است، می‌شود. هم‌چنین در ارتباط با دیگران دچار افراط‌ها و زیاده‌رویهایی نظیر بخشش به افرادی که قادر به کارند، بخشش به اغنیاء، عدم اولویت‌بندی افراد در بخشش و زیاده‌روی در بخشش می‌شود.

نهایتاً از دیدگاه سیستمی هر آنچه کمتر از میان‌روی (آستانه کفایت) باشد، بخل است و در مقابل هر آنچه بیشتر از میان‌روی باشد، اسراف است، و هر کدام از این دو رفتار بر سیستم حاکم

شود، بیانگر چیرگی ضعف‌ها بر سیستم است. حرکت از میانه‌روی به سمت بخل، بیانگر فاصله گرفتن از سیستم بازخوران منفی و نزدیک شدن به سیستم بسته است. از سوی دیگر حرکت از میانه‌روی به سمت اسراف، نشانگر دور شدن از سیستم بازخوران منفی و نزدیک شدن به سیستم باز حلقه باز است. به هر حال، باید سعی کرد تا افراط و تفریطها در رفتار را به سمت و سوی مدار اصلی سوق داد که همانا میانه‌روی است؛ یعنی از طریق افزودن حلقه بسته منفی به سیستم باز حلقه باز، اسراف را به سمت میانه‌روی تعدیل کرد و از سوی دیگر از طریق باز نمودن سیستم بسته به روی محیط و افزودن حلقه بازخوران منفی به آن، بخل را به سمت میانه‌روی ارتقا داد به این صورت که باید با عنایت به میانه‌روی، که بر معیارهایی متمرکز است که بیانگر وضعیت مطلوب زندگی فردی و اجتماعی است، وضع موجود زندگی فردی و اجتماعی خویش را با این وضع مطلوب مقایسه نمود. چنانچه بین وضع موجود و وضع مطلوب فاصله باشد بعد از تعیین مقدار و جهت آن، وضعیت موجود خود را به سمت وضع مطلوب سوق دهد که همانا میانه‌روی در زندگی فردی و اجتماعی است. اگر نتیجه مقایسه وضع موجود و مطلوب، صفر و نزدیک به صفر باشد، فرد به میانه‌روی (قوت) گرایش دارد. اگر نتیجه مقایسه منفی باشد، فرد به بخل گرایش دارد و چنانچه نتیجه مقایسه مثبت باشد، فرد در زندگی خود دچار اسراف است و در هر دو حالت فرد دچار خطا و انحراف (ضعف) است که باید این خطا را به سمت صفر شدن ببرد. در نتیجه باید بر اساس سیستم حلقه بازخوران منفی، کمتر را به بیشتر و بیشتر را به کمتر سوق داد که همانا میانه‌روی است. این فرایند اصلاحی، که بیانگر حرکت از بخل و اسراف به میانه‌روی است، امکانپذیر است؛ زیرا رفتارهای سه گانه در زمره عوامل سیستمی (ضعف- قوت) است نه عوامل محیطی (تهدیدها - فرصتها)؛ چون این رفتارها عمدتاً در کنترل سیستم است و تأثیر تعیین کننده بر سیستم دارد. بخل و اسراف در قالب ضعفها و میانه‌روی در قالب قوتها ظاهر می‌شود؛ لذا فاصله گرفتن از بخل و اسراف و نزدیک شدن به میانه‌روی، بیانگر مدیریت معادله سیستمی (کاهش ضعفها و افزایش استفاده از قوتها) است که موجب شکل‌گیری توانمندی سیستمی می‌شود. توانمندی سیستمی نیز موجب مدیریت معادله محیطی (کاهش تهدیدها و افزایش بهره‌گیری از فرصتها) می‌شود به این معنی که پایه و اساس فائق آمدن بر عوامل محیطی، فائق آمدن بر عوامل سیستمی و مدیریت کردن آنهاست که در کنترل سیستم است (نمودار شماره ۶).

در مجموع، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این دو پدیده در عالم تکوین (سیستم‌های بسته، باز

حلقه بسته منفی و باز حلقه باز) و عالم تشریح (بخل، میانه‌روی و اسراف)، بر هم منطبق است و همدیگر را تأیید می‌کند. این خود بیانگر، اصل هم‌پایانی است؛ زیرا حرکت از عالم تکوین و عالم تشریح به نتیجه واحدی منجر می‌شود.



نمودار شماره ۶: الگوی سیستمی تحلیل بخل در نقش سیستم بسته، میانه‌روی در نقش سیستم باز حلقه بسته منفی و اسراف در نقش سیستم باز حلقه باز

منابع فارسی

- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی (۱۳۸۸). قم: اسوه.
- امام سجاد علیه‌السلام (۹۵ ق). رساله حقوق. ترجمه صادق حسن زاده (۱۳۸۶). قم: کیش مهر.
- امام سجاد علیه‌السلام (۹۵ ق). صحیفه سجادیه. ترجمه محمد مهدی رضائی (۱۳۸۵). قم: جمال.
- امام رضا علیه‌السلام (۲۰۳ ق). طب الامام الرضا علیه‌السلام. تحقیقات و نشر معارف اهلبیت علیه‌السلام. آمدی، عبدالواحد (۵۱۰). غررالحکم و دررالحکم. ترجمه محمد علی انصاری قمی (۱۳۷۷). تهران: ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۳۸۱ ق). تحف‌العقول. ترجمه بهراد جعفری (۱۳۸۰). تهران: اسلامیه.
- اربلی، بهاء‌الدین (۶۹۲ ق). کشف‌الغمة. ترجمه و شرح علی بن حسین زواره‌ای (۱۳۸۲). تهران: اسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج‌الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول. تهران: دنیای دانش.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۰). کیش پارسایان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حجازی، سید مهدی (۱۴۱۹). درر الأخبار. ترجمه سید علی رضا حجازی و محمد عیدی خسروشاهی. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴b ق). جهاد النفس. ترجمه علی صحت (۱۳۶۴). تهران: ناس.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴b ق). وسائل‌الشیعه. قم: آل‌البيت علیه‌السلام.

- حکیم، سید محمد تقی (۱۳۶۰). پیام پیامبر. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی و مسعود انصاری (۱۳۷۶). تهران: منفرد. خوانساری، جمال الدین (۱۱۲۵ق). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم. تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۸۴۱ق). ارشاد القلوب. ترجمه علی سلگی نهاوندی (۱۳۷۶). قم: شریف رضی. راغب اصفهانی (۵۰۲ق). مفردات قرآن. ترجمه غلامرضا خسروی (۱۳۶۳). تهران: انتشارات فاضل.
- رضائی، سید عبدالحسین (۱۳۶۴). الروضة در مبانی اخلاق. تهران: اسلامیه.
- سید رضی (۴۰۰ هجری قمری). نهج البلاغه. ترجمه محمد تقی جعفری.
- شعیری، تاج الدین (۱۳۶۳). جامع الاخبار. قم: رضی.
- صادقی مال امیری، منصور (۱۳۸۸). چرایی سیستم ارزیابی عملکرد در سازمان. همایش سراسری ارزیابی عملکرد کارکنان ناجا. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انسانی ناجا.
- صادقی مال امیری، منصور (۱۳۸۹). سیستم‌های اطلاعاتی در سازمان. تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- صادقی مال امیری، منصور (۱۳۹۲). طراحی مدل تحلیل رفتار مصرف‌کننده بر اساس آموزه‌های اسلام. مجله اندیشه مدیریت راهبردی. دوره ۷. ش ۱: ۱۵۶-۱۲۳.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱ا). معانی الأخبار. ترجمه محمدی شاهرودی، عبد العلی (۱۳۷۷). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱ب). الخصال. ترجمه یعقوب جعفری، (۱۳۸۲). قم: نسیم کوثر.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱c). من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، (۱۳۶۷). تهران: صدوق.
- صدوق، ابن بابویه (۳۸۱d). عیون أخبار الرضا علیه السلام. ترجمه محمد تقی آقا نجفی اصفهانی (۱۳۶۱). تهران: علمیه اسلامیه.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۵۴۸). مکارم الأخلاق. ترجمه سید ابراهیم میر باقری، (۱۳۶۵). تهران: فراهانی.
- فقیه، نظام الدین (۱۳۸۳). سیستم‌های پویا. تهران: سمت.
- فیض کاشانی (۱۰۹۰). المحججه البيضاء. تهران: مکتبه الصدوق.
- قاضی قضاعی (۴۵۴). شهاب الأخبار. ترجمه قاضی (۱۳۶۱). تهران: علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۳۲۹ق). اصول کافی. ترجمه جواد مصطفوی (۱۳۸۲). ج ۱، ۲، ۳ و ۴. تهران: انتشارات وفا.
- کوفی، محمد بن اشعث (۳۱۳). الجعفریات. تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- گیلانی، عبدالرزاق (۱۱۰۰). مصباح الشریعة. تهران: پیام حق.
- مجدی، سید عطاءالله (۱۳۶۹). گل‌های جاویدان (هزار کلمه قصار). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۰). بحارالانوار. تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
 مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷ ه.ق). نصابیح. ترجمه احمد جنتی اصفهانی. قم: مهر قم.
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). آشنایی با قرآن. ج ۳. تهران: صدرا.
 مفید، محمد بن نعمان (۴۰۷). امالی. ترجمه حسین استاد ولی (۱۳۶۴). مشهد: آستان قدس.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۶۷). سایبرنتیک. مجله دانش مدیریت، ش ۱ و ۲.
 نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسایل. قم: آل البيت علیه السلام.
 هندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین (۱۴۰۹). کنز العمال فی احادیث الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه
 الرساله.

منابع انگلیسی

- Barnard, Chester (1988). **The functions of the executive**. Boston: Harvard University Press.
 Beer, S (1964). **Cybernetics & management**. New York, John Wiley & Sons.
 Bohm.D (1998). **On Creativity**. Edited by Lee Nichol, Routledge.
 Boulding. K.E (1956). **General system theory**. *Management Science*, Vol 2.
 Buckely. W (1967). **Sociology and modern systems theory**. Englewood Cliffs, N. J: Prentice- Hall.
 Burns, T & Staker, G (1962). **The management of innovation**. Chicago: Quadrangle books.
 Daft, R (1998). **Organization theory and design**. US: International Thomson Press.
 Davis, G. B & M. H. Olson (1984). **Management information systems**. New York, NY: MacGraw- Hill
 Fayol, Henri (1949). **General and industrial management**. Paris: Dunod.
 Forrester. J. W (1992). Policies, decisions & information sources for modeling. **European Journal of operational**.
 Mayo. Elton (1933). **The human problems of an industrial civilization**. New York: Macmillan.
 Miller,nJ. G (1978). **Living Systems**. New York: McGraw –Hill.
 Morgan. Gareth (1986). **Images of organizations**. Beverly Hills. CA: Sage, Publication.
 Nicholas, J. M (1992). **Managing business & engineering process**. Englewood Cliffs, NJ: Prentice- Hall.
 Robbinz, S (1987). **Organization theory: structure, design & applications**. Prentice Hall: 198, 228.
 Scott, W. Richard (1992). **Organization: Rational, Natural, and Open systems**. 3rd ed., Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice- Hall.
 Senge, P.M.(1992). **The fifth discipline: The art & practice of the learning organization**. Random House ,Australia.
 Taylor. F. W (1961). **Scientific management**. New York: Harper and Row.
 Taylor. Frederick. W (1911). **The principle of scientific**. New York: Har3 per and Row.
 Thompson. D (1967). **Organization in Action**. New York: McGraw –Hill.
 Weber, Max (1947). **The theory of social and economic organizations**, ed., Talcott Parsons. New York: Free Press.

